نگاهی به کتاب
«بانگ آب»
تألیف
سودابه کریمی
نشر شور

یک دریا تشنگی

حسام الدین پارسایان

حیات مولانا جلال الدین بلخی رومی، آموزگار عرفان و تصوف و سراینده مثنوی معنوی و در وجود آورنده عالی ترین اثر عرفانی در عالم اسلام و شاید در تمام تاریخ بشر، در عشق و معرفت خلاصه می شد و برای دوستان و مریدان، کمال مطلوب اخلاقی پیران صوفیه را تجسم می داد. شعر صوفیه که از مشرب ذوق و الهام سرچشمه گرفته و در مکتوبات مشایخ این قوام مجال بروز یافته است با مولانا به بلندای ناشناخته ای دست یافت و پس از او نیز برای تمام قرون و نسل های بشری، قله ای تسخیرناپذیر و خاص او شد. مثنوی عظیم مولانا جلال الدین هم که درواقع حاصل تمام معارف و تجارب صوفیه مسلمان است، عرضه داشت. اوج و عظمت روحانی بی نظیری است که در تمام قله های بزرگ شعر انسانی جلوه و شکوه دسترسی ناپذیر و خیره کننده دارد. هم از این روست که بحث درباره احوال و افکار او خود دستمایه ای محسوب شده است برای تحقیقات خرد و کلان. در این میان، هر پژوهنده ای از دریچه خاص خود به جهان نگری مولانا نگریسته و برداشت خود از افکار او را فراروی خواننده قرار داده است. سودابه کریمی هم راه نفوذ به اقلیم عظیم اندیشه و فکر مولانا را از رهگذر شیوه ای بدیع و نوین جسته و از بحر ناپیدا کرانه تعلیم او، از آن همه آب هم به قدر تشنگی چشیده است.

نویسنده در این کتاب، که آن را «بانگ آب» نام کرده است، کوشیده تا با تأمل در سه اثر سترگ مولانا، یعنی مثنوی معنوی، فیه مافیه و کلیات شمس، تعلیم مولانا و ارکان جهان نگری او را در ضمن یک پژوهش با انگیزه به کارگیری یک روش تحلیلی که متضمن مباحث و موضوعات دشوار و گسترده ای همچون معرفت شناسی، هستی شناسی، خداشناسی، انسان شناسی، ارزش شناسی و وظیفه شناسی (= اخلاق شناسی) است بیان کند. استاد مصطفی ملکیان بنا به شیوه مألوف و رسم معهود خویش در مقدمه تحلیلی و بسیار خواندنی خود بر این کتاب، شیوه پژوهش در باب جهان نگری عرفانی - و در اینجا جهان نگری مولانا - را ارائه کرده که از حیث جامعیت و دقت نظر بی نظیر است.

کتاب مجموعاً هفت فصل دارد که نویسنده در فصل نخست «انسان وساحات وجودی او» عمدتاً به انسان شناسی و تا حدی به هستی شناسی مولانا، در فصل دوم «رابطه انسان و خدا» به مباحثی از هستی شناسی، خداشناسی و انسان شناسی او، در فصل سوم، «رنج» عمدتاً به انسان شناسی و تا حدی به ارزش شناسی و وظیفه شناسی او، در فصل چهارم، «عشق»، عمدتاً به انسان شناسی و تا حدی به هستی شناسی، خداشناسی و ارزش شناسی او، در فصل پنجم «معرفت»، عمدتاً با معرفت شناسی و تا حدی با هستی شناسی و انسان شناسی او، در فصل ششم «اخلاق»، به مباحثی از وظیفه شناسی و ارزش شناسی او، در فصل هفتم «خدا» عمدتاً به خداشناسی و تا حدی به هستی شناسی او می پردازد. (ص ۲۰) نباید از نظر دور داشت که به گفته نویسنده در پیش گفتار، مقدمات متن این کتاب در ابتدا با انگیزه انجام یک کار تطبیقی بین نقطه نظرات اخلاقی و خداشناسانه مولانا با برداشت های متألهینی چون گوردن کافمن (Gordon D. Kaufman) که نگاهی انتقادی به واقع گرایی دینی دارند و یا دان کیوپیت، که از ناواقع گرایان محسوب می شود صورت پذیرفته اما به دلیل عدم دسترسی به منابع کافی، این طرح نهایتاً به شکل حاضر به انجام رسیده است از این رو، پرسش اصلی در این کتاب مجموعه موضوعات مربوط به اخلاق و تصویر خدا در اندیشه مولانا است (ص ۲۶) نکته دیگری که باید در نظر داشت این است که مؤلف در پژوهش خود، عالماً و عامداً در معرفی مؤلفه های سازنده اندیشه مولانا به هیچ متفکر و عارف دیگری ارجاع نداده است و به عبارت دیگر کوشیده تا مولانا را تنها با مولانا جست وجو کند.

***

پس از معرفی اجمالی کتاب، ذکر انتقادگونه ای از آن ضروری می نماید. بر خواننده این سطور پوشیده نیست که به رغم سادگی ظاهری، که به خاطر وفور حکایات و قصص در آثار مولانا، خاصه مثنوی معنوی، به نظر می رسد، قسمت عمده مطالب آنها عرضه داشت دریافت های عالی عرفانی و حکمی و دقایق فلسفی و کلامی است. افزوده بر این، گهگاه ادبیات متعدد و دشواری در جای جای مثنوی آمده که هم از قدیم به سبب سختی و صعوبتی که در فهم مراد آنها احساس می شده، احیاناً موضوع مناقشات فراوان بوده و اینها جملگی موجب و مایه این گشته که مثنوی معنوی همچون اثری مشکل و دشوار یاب شهره شود. حتی در آنچه به حکایات مثنوی مربوط است، خاصه آنجا که مولانا حکایتی را در ضمن حکایتی آورده و سر دلبران را در حدیث دیگران بیان داشته، فهم کلام او در بسیاری موارد مطالعه شروح و تفاسیر را الزام می کند. هم از این روست که در باب اندیشه و تعلیم مولانا، خاصه تقریر مفصل آن که در مثنوی مجال بروز و ظهور یافته، شرح هایی از قدیم به فارسی، عربی و ترکی تدوین شده است که غالباً متضمن فواید مهم هم هست و در فهم دشواری های تعلیم او از مراجعه به آنها البته غافل نباید بود. از میان شروح مهم می توان مخصوصاً از جواهرالاسرار اثر کمال الدین حسین بن حسن خوارزمی، اسرارالغیوب خواجه ایوب، شرح محمدولی اکبرآبادی، شرح بحرالعلوم، فاتح الابیات اثر انقروی، رساله نائیه جامی، شرح اسرار حاج ملاهادی سبزواری، شرح مثنوی شریف علامه فروزانفر، شرح مثنوی کریم زمانی و نوشته های گرانسنگ مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب چون سر نی و بحر در کوزه یا نگاشته های پژوهشگران غربی چون چیتیک و... نام برد. از همین جاست که عدم اصرار نویسنده در استفاده از کتب و شروح مثنوی هم که حامل نگاه خاص او به موضوع تحقیق است و در عین حال این نگاه فواید بسیاری هم می تواند داشت و نیز با وجود نکته سنجی های بدیع و تازه ای که در سراسر کتاب به چشم می خورد - کار او را از نقد و تعریض ناقدان البته مصون نمی دارد. البته مقصود نگارنده این نیست که نویسنده می بایست از چشم ومنظر شارحان و دیگر پژوهندگان به آثار مولانا می نگریست، بلکه منظور این است که مطالعه این آثار می توانست قدرت تحلیل او را درباره اندیشه مولانا افزون کند و کتاب در آگنده از نقل قول های مفصل نشود. در حقیقت نویسنده کمتر به تحلیل تعلیم مولانا پرداخته است، چه رسد به نقد آن و این در حالی است که دست یازیدن به پژوهشی از این دست، بی گمان رعایت ایجاز و اجتناب از اطناب را بر او الزام نمی کند. افزوده بر این، ابتنای نویسنده تنها بر سه اثر مولانا، یعنی مثنوی معنوی، فیه مافیه و کلیات شمس البته خالی از اشکال نیست. مطالعه دیگر آثار منثور او همچون «مجالس سبعه»، که با زبانی عامیانه خطاب به عامه تقریر شده، برای فهم صحیح و تحلیل بهتر آثار منظوم او، همچون مثنوی، ضروری است. همچنین، مجموعه ای از مکاتیب شامل ۱۴۴ نامه از مولانا بر جای مانده است که هرچند متضمن تقریر لطایف عرفان اسلامی نیست و غالباً بازگوکننده مطالب شخصی و گفت وگوهای او با امرا، علما و دوستان و منسوبان است - و از این رو، در شناخت حوزه زندگی مولانا و احوال او و رای آنچه از مبالغات و افسانه سرایی های مناقب نویسان به دست می آید روشنگر است - اما در جای جای آن که نباید گذشت که نکته سنجی های بدیع نویسنده، کتاب را، که هرچند ملتزم به شیوه تحقیق علمی و تحلیلی نیست و همان طور که گفته آمد، فراوانی نقل قول های پرتفصیل عرضه را برای نقد و تحلیل تنگ می کند، از دایره تحقیقات ضعیف بیرون می آورد و در زمره کتب قابل اعتنا در باب اندیشه و فکر مولانا جای می دهد. با همه این انتقادات، باز هم در کتاب همواره نشانه هایی از یک تحقیق خواندنی باقی مانده است، هرچند که خواننده در توالی فصول هیچ نظم و ترتیب منطقی آن طور که در مقدمه مصطفی ملکیان آمده، نیابد. معهذا می تواند حس کند که این آشفتگی و از هم گسیختگی در نگارش کتاب و ارائه مطالب و ارتباط فصل های کتاب با یکدیگر، ناشی از سختی وصعوبتی است که در یک چنین طرح پژوهشی نهفته است. آن هم پژوهشی که به اشارت و با ژرف نگری استاد ملکیان طرح ریزی شده است. با این همه، انصاف باید داد که اگر نویسنده کتاب در جریان تحقیق و پژوهش خود این مقدمه را در پیش چشم داشت، بی گمان کتابی که بر مبنای آن طرح پژوهشی در وجود می آمد، از حیث جامعیت، کیفیت و دقت با هیچ یک از آثاری که تاکنون در باب اندیشه و تعلیم مولانا جلال الدین به نگارش درآمده است، طرف نسبت نبود.

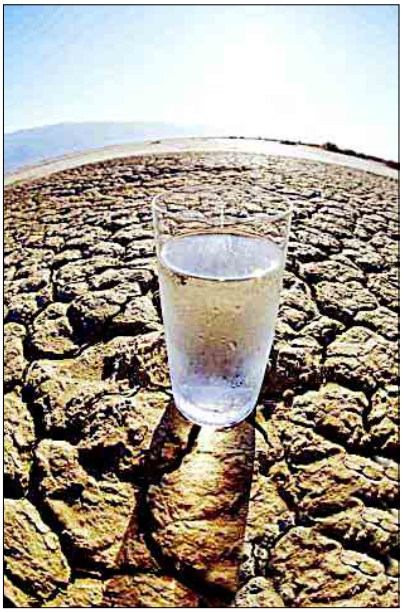

گاه نکات اخلاقی وعرفانی هم هست که در توضیح پاره ای مطالب مثنوی یاری رسان محقق تواند بود. جز اینها، پاره ای سخنان دیگر نیز در جای جای مناقب العارفین افلاکی از مولانا نقل شده والبته برای فهم بهتر اقوال مولانا در مثنوی رجوع بدانها خالی از فایده نیست. از این رو، در ضمن بحث از افکار مولانا، از اشارت بدانها نمی توان درگذشت. در عین حال، آثاری که پس از درگذشت مولانا و غالباً توسط دست پروردگان و میراث بران طریقت او به رشته تحریر درآمد، همچون رباب نامه و ولدنامه (مثنویات ولدی) در شرح و تفسیر آنچه به مولانا الهام شده است حائز اهمیت اند. همچنین نویسنده در برخی فصول، مانند فصل ششم، که به مسائل مطرح در حوزه فلسفه اخلاق می پردازد، ظاهراً اطلاعات خواننده را مفروض گرفته و به هیچ یک از کتب قابل اعتماد در زمینه فلسفه اخلاق ارجاع نداده است و مباحثی چون معرفت شناسی اطلاقی، علم النفس اخلاقی و اخلاق هنجاری را تعریف ناشده رها کرده است و این در حالی است که خواننده کتابی همچون «بانگ آب»، کتابی که قاعدتاً در زمینه عرفان اسلامی جای می گیرد، به احتمال بسیار از این مباحث بی اطلاع است و از این رو، از مباحث مطرح شده تصویر واضح و روشنی در ذهن نمی تواند داشت. جز اینها، این کتاب یکدست و منظم به حساب نمی آید و پیداست که در نگارش آن بیان زبده تعلیم مولانا، آن هم به ایجاز و اختصار هرچه تمام تر، بیشتر منظوراست تا به کارگیری صحیح یک روش منطقی وتحلیلی، آنگونه که مصطفی ملکیان در مقدمه ارائه کرده است. البته عجبی نیست که همین نکته خود به تنهایی سبب مزید سرگردانی خواننده در فهم اندیشه مولانا شود. اما از حق نباید گذشت که نکته سنجی های بدیع نویسنده، کتاب را، که هرچند ملتزم به شیوه تحقیق علمی و تحلیلی نیست و همان طور که گفته آمد، فراوانی نقل قول های پرتفصیل عرضه را برای نقد و تحلیل تنگ می کند، از دایره تحقیقات ضعیف بیرون می آورد و در زمره کتب قابل اعتنا در باب اندیشه و فکر مولانا جای می دهد. با همه این انتقادات، باز هم در کتاب همواره نشانه هایی از یک تحقیق خواندنی باقی مانده است، هرچند که خواننده در توالی فصول هیچ نظم و ترتیب منطقی آن طور که در مقدمه مصطفی ملکیان آمده، نیابد. معهذا می تواند حس کند که این آشفتگی و از هم گسیختگی در نگارش کتاب و ارائه مطالب و ارتباط فصل های کتاب با یکدیگر، ناشی از سختی وصعوبتی است که در یک چنین طرح پژوهشی نهفته است. آن هم پژوهشی که به اشارت و با ژرف نگری استاد ملکیان طرح ریزی شده است. با این همه، انصاف باید داد که اگر نویسنده کتاب در جریان تحقیق و پژوهش خود این مقدمه را در پیش چشم داشت، بی گمان کتابی که بر مبنای آن طرح پژوهشی در وجود می آمد، از حیث جامعیت، کیفیت و دقت با هیچ یک از آثاری که تاکنون در باب اندیشه و تعلیم مولانا جلال الدین به نگارش درآمده است، طرف نسبت نبود.

کتاب اندیشه

اسلام و کثرت گرایی دینی

نویسنده : محمد لگنهاوزن
مترجم: نرجس جواندل
نشر : طه

اثر حاضر ترجمه ای است از کتاب Islam and Religious pluralism اثر پروفسور محمد لگنهاوزن، که دارای درجه دکترای فلسفه از دانشگاه رایس آمریکاست. او که سابقه ده سال تدریس در دانشگاه نیویورک را دارد در سال ۱۹۹۰ به دعوت انجمن حکمت و فلسفه به ایران آمد و سال بعد به دعوت آیت الله مصباح یزدی در بنیاد باقرالعلوم به تدریس فلسفه، بویژه فلسفه دین و تحقیق در علوم اسلامی پرداخت. وی در حال حاضر در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی مشغول تحقیق و تدریس است.

کتاب حاضر نیز برگرفته از یادداشتهایی است که پیش تر آنها را در کلاسهای انجمن حکمت و فلسفه ارائه کرده بود. یکی از موضوعات تحقیق و تدریس او پیرامون نظریه «کثرت گرایی دینی» است.

کثرت گرایی دینی به عنوان یکی از نظریه های جذاب و پرهیاهو در حوزه مطالعات ادیان و فلسفه دین براین اصل اصرار می ورزد که تفاوتهای دینی را باید همچون تفاوتهای فرهنگی پذیرفت و تفاوتهای موجود بین ادیان و مذاهب همچون تفاوتهای فرهنگی یا نژادی، نسبت به ذات مشترک انسانها از اهمیت ثانوی برخوردارند. که لگنهاوزن، دراین کتابش، این تفکر را مردود می شمارد و به دفاع از «کثرت گرایی دینی غیرفروکاهشی» می پردازد.

در اثر حاضر، تلاشی شده برای پاسخ به این پرسش محوری که چه جنبه هایی از کثرت گرایی دینی از منظر مسلمانی که می خواهد به دین اسلام وفادار بماند، مقبول است؟ مؤلف، لگنهاوزن، در این کتاب استدلال می آورد که برخی از وجوه کثرت گرایی دینی مسیحیت لیبرال با تعالیم اسلام سازگار نیست. اما در مقام دفاع از چیزی برمی آید که خود آن را «کثرت گرایی دینی غیرفروکاهشی» معرفی کرده است که در بردارنده این اندیشه است که حقیقت دینی بیرون از قلمرو اسلام نیز وجود دارد.

بسمه تعالی
نوبت دوم
شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران
آگهی شناسایی پیمانکار
پروژه پشتیبانی و نگهداشت تجهیزات و خطوط ارتباطی VOICE & DATA
مناقصه شماره ۸۴/۱۷۰/ف
شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد انجام خدمات فوق الذکر را طبق شرح کار تدوین شده از طریق مناقصه عمومی و به مدت «۳ سال» به پیمانکار ذیصلاح و واجد شرایط واگذار نماید.
کلیه شرایط و مدارک موردنیاز در سایت اینترنتی شرکت به نشانی WWW.IOOC.CO.IR موجود می باشد.
روابط عمومی
شرکت نفت فلات قاره ایران

بسمه تعالی
نوبت دوم
شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران
آگهی مناقصه عمومی
مناقصه شماره ۸۲/۰۸۶/ع ت
شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد، تا از طریق برگزاری مناقصه عمومی ساخت چهار عدد تجهیزات نگهدارنده قایق های نجات سکوهای دریائی مناطق عملیاتی خارگ و بهرگان در خلیج فارس را با شرایط زیر به یک پیمانکار واجد شرایط و ذیصلاح واگذار نماید:
لذا بدین وسیله از عموم پیمانکارانی که صلاحیت لازم را دارا می باشند دعوت به عمل می آید تا برای کسب اطلاعات به سایت شرکت نفت فلات قاره ایران WWW.IOOC.CO.IR مراجعه نمایند.
روابط عمومی
شرکت نفت فلات قاره ایران

برندگان جوایز نسیم و یونو
برنده خوشبخت یک خودروی ماکسیما
۱۸۲۳۱۰۵۱
برندگان خوشبخت پنج خودروی گل
۱۰۶۵۹۵۰۲ ۱۰۰۴۸۸۸۹
۲۰۸۸۲۸۹۸ ۱۸۷۶۴۱۱۱
۱۴۷۴۶۶۲۷

پاکسان به سلامت خانواده می اندیشد
از دارندگان این شماره سریالها خواهشمند است حداکثر تا تاریخ ۱۳۸۵/۵/۳۰ با شماره تلفن ۸۸۸۸۹۷۲۴ تماس حاصل نمایند. در صورت عدم مراجعه تا تاریخ مذکور شماره رزرو اعلام خواهد شد.
برای اطلاع از آخرین شماره سریالهای رزرو اعلام شده به سایت اینترنتی زیر مراجعه نمائید.
www.paxanco.com